

دسترس پذیری فیزیکی کتاب ها در حوزه های علوم و علوم انسانی / اجتماعی

کل نسا گلینی مقدم^۱

چکیده

پژوهش حاضر با استفاده از روش پیمایشی به منظور بررسی نرخ دسترس پذیری فیزیکی کتاب ها ، عوامل موجود نبودن و مدت زمان بازیابی آنها از مجموعه های موجود در کتابخانه های دانشکده ای دانشگاه فردوسی انجام شده است . هدف ، مقایسه دسترس پذیری فیزیکی کتابها در حوزه های علوم و علوم انسانی / اجتماعی بوده است . نمونه ای شامل ۵۶۰ کتاب از کتابخانه های دانشکده ای قفسه بسته دانشگاه فردوسی (شامل ادبیات ، الهیات ، تربیت بدنی ، علوم اداری ، علوم تربیتی ، علوم ریاضی و کشاورزی) انتخاب شد . ابزار گردآوری اطلاعات شامل دو سیاهه بود که یکی از آنها مشخصات ۲۸۰ کتابی بود که به روش نمونه گیری تصادفی نظام یافته از رف بزرگ هر کتابخانه برگزیده شدند و سیاهه دیگر ، مشخصات ۲۸۰ کتابی بود که از میان درخواست های خود دانشجویان برگرفته شدند . هر سیاهه دارای دو قسمت بود ، در قسمت اول اطلاعات کتابشناختی کتاب ها آورده شد و در قسمت دوم ، مدت زمان میان درخواست کتاب و دریافت آن ، وضعیت موجود بودن یا نبودن و عامل موجود نبودن هر کتاب ثبت شد . نیمی از کتابهای برگزیده از رف برکه (۱/۴ کل نمونه ها) توسط پژوهشگر و سایر کتابها (۳/۴ کل نمونه) توسط کارکنان مین امانت بازیابی شده است . در تحلیل داده ها از فرمول رضامندی کانتور ، آزمون آماری T و F² استفاده شده است . نرخ موجود بودن کتاب ها ، ۸۰/۵ درصد و احتمال رضامندی ۸۱ درصد در کل دانشگاه به دست آمد . نتایج نشان داد که دسترس پذیری فیزیکی کتاب ها در کلیه کتابخانه ها نسبت به پژوهش های مشابه در خارج از ایران از وضعیت نسبتاً مطلوبی برخوردار است . دسترس پذیری فیزیکی به کتاب ها میان رشته های علوم و علوم انسانی / اجتماعی تفاوت معناداری ندارد ولی زمان دسترسی به کتاب ها در رشته های علوم به طور معنا داری از رشته های

۱- برگرفته از : گل نسا گلینی مقدم . "مقایسه و بررسی دسترس پذیری فیزیکی کتابها در حوزه های علوم و علوم انسانی / اجتماعی در دانشگاه فردوسی مشهد" . به راهنمایی دکتر محمد حسین دینانی ، پایان نامه کارشناسی ارشد علوم کتابداری و اطلاع رسانی (گرایش اطلاع رسانی) . دانشگاه فردوسی مشهد _ دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی ، تابستان ۱۳۷۸ .

علوم انسانی / اجتماعی کمتر است. بیشترین عامل دسترس ناپذیری در امانت بودن کتاب هاست (۵۵/۴۵ درصد). سایر عوامل عمده دسترس ناپذیری به ترتیب عبارت‌اند از: اشتباه کتابدار (۱۴/۵۴ درصد)، اشتباه دانشجو (۹/۰۴ درصد)، اشتباه چیده شدن (۵/۴۵ درصد). از پنج فرضیه پژوهش، چهار مورد رد و یکی پذیرفته شد.

مقدمه

یکی از مهمترین اهداف کتابخانه‌ها، فراهم آوردن امکانات و شرایطی است که بهره‌گیری از محتوای مواد به حداکثر ممکن میسر شود. در این راستا، یکی از عوامل مؤثر بر بهره‌گیری مواد کتابخانه‌ای، "سهولت دستیابی" است. "سهولت دستیابی" در منابع موجود در قالب "دسترس پذیری"^۲ و از دو جنبه کلی دسترس پذیری فیزیکی^۳ و فکری^۴ مطرح شده است. این پژوهش به منظور تعیین دسترس پذیری فیزیکی به کتاب‌ها (به منزله بخشی از منابع کتابخانه‌ای) در دانشگاه فردوسی مشهد انجام گرفته است. در این دانشگاه هفت کتابخانه از ده کتابخانه دانشکده‌ای به روش قفسه بسته اداره می‌شوند. اگر کتابخانه‌ها به روش قفسه بسته اداره شوند، کاربازایی کتاب از مخزن مستقیماً به عهده کارکنان می‌امانت است. در این گونه کتابخانه‌ها، کتابداران باید در بیشتر ساعات کاری در میان قفسه‌ها حرکت کنند و کتاب‌های درخواستی مراجع کنندگان را بازیابی کرده، به آنها تحویل دهند.

از سوی دیگر در کتابخانه‌های قفسه بسته، طبق مقررات این دانشگاه، دانشجویان دوره‌های کارشناسی و کاردانی حق ورود به مخزن و انتخاب کتاب از نزدیک را ندارند. آنها باید کتابها را از برگه دان انتخاب کنند، سپس اطلاعات کتابشناختی را بر روی برگه درخواست نوشته، به کارکنان می‌امانت تحویل دهند و بعد منتظر باشند تا آنان، این کتابها را در قفسه‌ها که ممکن است به می‌امانت نزدیک یا از آن دور باشد، بیابند. براین اساس در کتابخانه‌هایی که به روش قفسه بسته اداره می‌شوند، "وجود کتاب در محل مشخص" و "زمانی که برای جایابی و ارائه کتاب به مراجع کننده" صرف می‌شود، دو عامل مؤثر بر

2. Accessibility

3. Physical Accessibility

4. Intellectual Accessibility

دسترس پذیری فیزیکی به مواد است. این دو عامل تابعی است از چگونگی نظم مجموعه، میزان تلاش کتابدار، صحیح نوشتن اطلاعات کتابشناختی توسط دانشجو، وضعیت امانت و فاصله قفسه کتاب ها از میز امانت، از آنجائیکه در کتابخانه های دانشکده ای، معمولاً دانشجویان در ساعات محدودی به کتابخانه مراجعه می کنند، این احتمال وجود دارد که مراجعه تعداد زیادی دانشجو در زمان هایی محدود بر دسترس پذیری فیزیکی تأثیر منفی داشته باشد. بنابراین، مسأله پژوهش این است که آیا بسته بودن قفسه ها از سویی و مراجعه هم زمان دانشجویان از سوی دیگر می تواند به دسترس پذیری فیزیکی غیرمطلوب در کتابخانه های دانشگاه فردوسی انجامد؟

فرضیه ها

فرضیه اول: " دسترس پذیری فیزیکی کتاب ها در کتابخانه های دانشگاه فردوسی مشهد از وضعیت مطلوبی برخوردار نیست. "

فرضیه دوم: " دسترس پذیری فیزیکی به کتاب ها در حوزه های علوم بیشتر از حوزه های علوم انسانی / اجتماعی است. "

فرضیه سوم: " زمان دسترسی به کتاب ها در حوزه های علوم، کمتر از زمان دسترسی به کتاب ها در حوزه های علوم انسانی / اجتماعی است. "

فرضیه چهارم: " دسترس ناپذیری کتاب ها، بیشتر تابع فقدان نظم مواد است تا عملکرد میز امانت. "

فرضیه پنجم: " در مقایسه با فقدان نظم مواد و عملکرد میز امانت، دسترس ناپذیری کمتر به دلیل در امانت بودن کتاب هاست. "

جامعه آماری و روش انجام پژوهش

روش پژوهش پیمایشی و نوع پژوهش کاربردی است. پژوهش در بخش امانت کتابخانه دانشکده های ادبیات و علوم انسانی، الهیات و معارف اسلامی، تربیت بدنی و علوم ورزشی، علوم اداری و اقتصادی، علوم تربیتی و روانشناسی، علوم ریاضی و کشاورزی دانشگاه

فردوسی مشهد که به روش قفسه بسته اداره می‌شوند، انجام گرفته است. جامعه آماری، کل برگه‌های کتاب‌های فارسی و عربی در رف برگه^۵ کتابخانه‌های مورد نظر بود. همچنین کلیه کارمندان بخش امانت در هفت دانشکده نیز جزو جامعه آماری محسوب می‌شوند. کل کتاب‌های بررسی شده ۵۶۰ عنوان بود (به ازای هر دانشکده ۸۰ کتاب). در هر دانشکده به طور تصادفی ۴۰ نمونه کتاب از کتاب‌های درخواستی خود مراجعه‌کنندگان در ساعتهای مختلف شلوغ صبح و عصر در روزهای مختلف ماه جمع‌آوری شد. در هر روز فقط ۷ نمونه به طور تصادفی انتخاب می‌شد. به این صورت که از لحظه تحویل درخواست دانشجویان به کتابدار تا لحظه دریافت پاسخ زمان ثبت می‌گردید. موجود بودن یا نبودن و همچنین عوامل مؤثر بر موجود نبودن بر روی یک سیاهه ثبت می‌شد. ۴۰ نمونه دیگر، سیاهه کتاب‌هایی بود که توسط پژوهشگر از رف برگه‌های فارسی و عربی هر کتابخانه به صورت نمونه‌گیری تصادفی نظام‌یافته^۶ انتخاب شده بودند.

هرکدام از سیاهه‌ها دارای دو قسمت بود. در قسمت اول، اطلاعات کتابشناختی کتاب‌ها ثبت می‌شد و در قسمت دوم، زمان بازیابی، موجود بودن یا نبودن و نیز علل موجود نبودن ثبت می‌شد. علل انتخاب کتاب‌های فارسی و عربی، این بود که اولاً در دوره‌های کاردانی و کارشناسی به علت عدم تأکید آموزش بر کتاب‌های لاتین، استفاده چندانی از کتاب‌های لاتین صورت نمی‌گیرد و بیشتر از کتاب‌های فارسی استفاده می‌شود؛ ثانیاً برخی دانشکده‌ها مثل الهیات و ادبیات و برخی دانشجویان کارشناسی نیز متقاضی استفاده از کتابهای عربی هستند و ثالثاً رف برگه‌های فارسی و عربی عملاً یکی بودند.

بعد از انتخاب کتاب‌ها از رف برگه، مجدداً به روش نمونه‌گیری تصادفی کتاب‌ها به دو گروه بیست تایی تقسیم شدند که یکی از این گروه‌ها تصادفاً برای دانشجویان و گروه بعدی برای پژوهشگر در نظر گرفته شد. بعد از جمع‌آوری داده‌های مربوط به ۴۰ نمونه

5. Shelflist

6. Systematic Randomly Sampling

تصادفی از درخواستهای خود مراجعه کنندگان ، ۲۰ مورد برگزیده از رف برگه برای دانشجویان جمع آوری شد . به این صورت که اطلاعات کتابشناختی کتاب ها بر روی برگه های درخواست هر کتابخانه به طور دقیق و واضح نوشته شد . بدون این که کتابداران اطلاعی از این کار داشته باشند ، برگه ها در سه مرحله در شب یا روز ، پیش از جمع آوری داده ها بین دانشجویان توزیع می شد و از آنها درخواست می شد که روز بعد در ساعات شلوغی معینی به کتابخانه بیایند و آن کتاب ها را به امانت بگیرند . پژوهشگر زودتر و قبل از ورود دانشجویان در بخش امانت قرار می گرفت و منتظر ورود آنها می ماند . سپس از لحظه تحویل برگه ها به کتابدار تا لحظه دریافت کتاب یا لحظه پاسخگویی به دانشجویان زمان ثبت می شد و وضعیت موجودی نیز ثبت می گردید . در هر صورت اگر کتاب موجود نبود ، پژوهشگر با همان برگه درخواست به داخل مخزن می رفت و عوامل مؤثر بر موجود نبودن را بررسی می کرد . وی در صورتی که قادر به پیدا کردن عامل نبود ، با کارکنان میز امانت مذاکره می کرد . گاهی اوقات تعیین عامل موجود نبودن یک کتاب ، بیش از یک ساعت طول می کشید .

تجزیه و تحلیل داده ها

در تجزیه و تحلیل داده ها از نرم افزار آماری **spss** ، آمار توصیفی و آمار استنباطی **T** و **F** و X^2 استفاده شده است .

فرضیه اول : دسترس پذیری فیزیکی کتاب ها در کتابخانه های دانشگاه فردوسی مشهد از وضعیت مطلوبی برخوردار نیست .

برای این فرضیه از آمار توصیفی درصد فراوانی ها برای تعیین درصد موجود بودن کتاب ها و همچنین از فرمول رضامندی کانتور^۱ برای تعیین درصد رضامندی کاربران از خدمات کتابخانه ها استفاده شده است (Kantor , 1976) . فراوانی کتاب های موجود و غیرموجود و درصد آنها در جدول ۱ خلاصه شده است . ملاحظه می شود که درصد موجود بودن در همه موارد بالای ۷۰ درصد و در کل دانشگاه ۸۰/۵ درصد است . برای تشخیص وضعیت مطلوب ، این درصد با درصد به دست آمده از تحقیقات مشابه مقایسه

می شود. "دپراسپو" و همکارانش در سال ۱۹۷۳ احتمال "موجود بودن" کتاب هایی را که در مالکیت کتابخانه های عمومی آمریکا است، ۷۹ درصد برای کتابخانه های عمومی بزرگ، ۷۲ درصد برای کتابخانه های عمومی متوسط و ۶۶ درصد برای کتابخانه های عمومی کوچک به دست آوردند (De Prospo, 1973). "منزبرگ" در سال ۱۹۸۶، یافته های ۴۰ مطالعه مربوط به "موجود بودن" در انواع کتابخانه ها را مورد مطالعه قرار داد و دریافت که نرخ "موجود بودن" بین ۸ تا ۸۹ درصد در تغییر است و میانگین ۶۱ درصد را بدست آورد (Mansbridge, 1984). در پژوهشی که توسط "چودری" و "آشور" در کتابخانه دانشگاه نفت و مواد معدنی عربستان در سال ۱۹۹۴ انجام گرفت، نرخ "موجود بودن" ۶۳/۸ درصد در شرایط عادی و ۷۶ درصد در شرایطی که کارکنان کتابخانه به کاربران کمک کنند به دست آمد (Chaudhry and Ashoor, 1994).

حوزه یا دانشکده	تعداد کل کتابهای بررسی شده	کتابهای موجود		کتابهای غیر موجود	
		تعداد	درصد	تعداد	درصد
کل دانشگاه	۵۶۰	۴۵۱	٪۸۰/۵	۱۰۹	٪۱۹/۵
حوزه علوم انسانی/اجتماعی	۴۰۰	۳۱۵	٪۷۸/۸	۸۵	٪۲۱/۳
حوزه علوم	۱۶۰	۱۳۶	٪۸۵	۲۴	٪۱۵
دانشکده ادبیات	۸۰	۶۱	٪۷۶/۳	۱۹	٪۲۳/۸
دانشکده الهیات	۸۰	۶۰	٪۷۵	۲۰	٪۲۵
دانشکده تربیت بدنی	۸۰	۶۹	٪۸۶/۳	۱۱	٪۱۳/۸
دانشکده علوم اداری	۸۰	۶۷	٪۸۳/۸	۱۳	٪۱۶/۳
دانشکده علوم تربیتی	۸۰	۵۸	٪۷۲/۵	۲۲	٪۲۷/۵
دانشکده علوم ریاضی	۸۰	۶۶	٪۸۲/۵	۱۴	٪۱۷/۵
دانشکده کشاورزی	۸۰	۷۰	٪۸۷/۵	۱۰	٪۱۲/۵

جدول ۱: فراوانی و درصد کتابهای "موجود" و "غیرموجود" در کل نمونه و به تفکیک هر دانشکده (برای فرضیه اول)

از مقایسه این درصدها با ۸۰/۵ درصد در دانشگاه فردوسی می توان استنباط کرد که نرخ " موجود بودن " کتاب ها در دانشگاه فردوسی از وضعیت نسبتاً مطلوبی برخوردار است ، بنابراین فرضیه اول رد می شود . با نگاهی متفاوت به فرضیه اول می توان " موجود بودن " را موجب رضامندی و " موجود نبودن " را موجب نارضایتی مراجعه کننده دانست . تحت این نگرش از فرمول رضامندی کانتور با کمی تعدیل استفاده شد .

((۵۶۰ عنوان بررسی شده))



نمودار ۱: تحلیل شاخه ای کانتور در دانشگاه فردوسی مشهد

$$ps = pc \times pl \times pu = 0/89 \times 0/93 \times 0/98 = 0/81$$

"کانتور" در سال ۱۹۷۶، درصد رضامندی ۶۶ درصد را بدست آورد. این روش تحلیل توسط "رحمان"، "عارف" و "چودری" در سال ۱۹۹۴ در کتابخانه دانشگاه بین‌المللی مالزی به کارگرفته شد و درصد رضامندی ۵۲/۸۳ درصد بدست آمد (Rehman, Arif and Chaudry, 1994). مقایسه این درصدها با ۸۱ درصد در دانشگاه فردوسی نشان می‌دهد که درصد رضامندی در وضعیت نسبتاً مطلوبی قرار دارد؛ بنابراین، بازهم فرضیه اول رد می‌شود.^۷

فرضیه دوم: "دسترس پذیری فیزیکی به کتاب‌ها در حوزه علوم، بیشتر از حوزه علوم انسانی / اجتماعی است."

برای بررسی این فرضیه، فراوانی کتاب‌های موجود در حوزه های علوم انسانی / اجتماعی و علوم با استفاده از مجذور کای^۸ مورد تحلیل قرار گرفت و نتایج در جدول ۲ خلاصه شد.

نام دانشگاه	کتابهای موجود در حوزه علوم انسانی / اجتماعی	کتابهای موجود در حوزه علوم	درجه آزادی	مجذور کای	احتمال معناداری
دانشگاه فردوسی مشهد	۳۱۵	۱۳۶	۱	۰/۲۳	۰/۶۳۶

جدول ۲: مقایسه فراوانی کتابهای موجود در دو حوزه (برای فرضیه دوم)

ملاحظه می‌شود که تفاوت معناداری بین فراوانی های کتاب‌های موجود در این دو حوزه وجود ندارد. بنابراین فرضیه دوم تأیید نمی‌شود. یعنی کتاب‌هایی که در مالکیت

۷- یادداشت سردبیر: در فرمول کانتور، قبلاً در سه مرحله بالا، مرحله دیگری وجود دارد. در آن مرحله نسبت کتاب‌هایی که کتابخانه، مالک آنهاست به کل کتابهای نمونه محاسبه می‌شود و این نسبت در نسبت‌های سه مرحله بعد ضرب می‌شود. در آن صورت (ضرب چهار نسبت درهم) به تعیین احتمال رضامندی کمتر از مورد این پژوهش که سه نسبت را درهم ضرب کرده است، به دست خواهد داد. بدین دلیل، معلوم نیست که اگر تأثیر مقدار نسبت اول دخالت داده می‌شد، احتمال رضامندی در مقایسه با آنچه که در غرب گزارش شده است چه وضعیتی می‌داشت.

8. Chi_Square

کتابخانه هاست ، به لحاظ " میزان موجود بودن " خواه در حوزه علوم و خواه در حوزه علوم انسانی / اجتماعی تفاوت معناداری با هم ندارند .
 فرضیه سوّم : " زمان دسترسی به کتاب ها در حوزه علوم ، کمتر از زمان دسترسی به کتاب ها در حوزه علوم انسانی / اجتماعی است ."
 برای بررسی فرضیه سوّم از روش آزمون T برای مقایسه میانگین های زمان پاسخگویی یا بازیابی کل کتاب های بررسی شده استفاده گردید و نتایج در جدول ۳ خلاصه شد .

نام حوزه	تعداد کل کتابهای بررسی شده	میانگین زمان دسترسی به دقیقه	انحراف استاندارد	مقدار T	مقدار P
حوزه علوم انسانی / اجتماعی	۴۰۰	۲/۷۲	۳/۰۶		
حوزه علوم	۱۶۰	۱/۳۷	۰/۹۷	۵/۴۵	۰/۰۰۰

جدول ۳: جدول آزمون T برای فرضیه سوّم (مقایسه میانگین زمان پاسخگویی برای کتابهای کل نمونه در دو حوزه ۵۶۰ = n)

ملاحظه می شود تفاوت دیده شده در میانگین زمان بازیابی کتابهای دو حوزه با احتمال خطای ۰/۰۰۱ معنادار است ؛ بدین معنا که بازیابی کتاب ها در حوزه علوم به طور معناداری سریعتر از حوزه علوم انسانی / اجتماعی صورت می گیرد . در این پژوهش ، میانگین زمان بازیابی کتاب ها در دانشکده های هر حوزه نیز مقایسه شد ؛ مثلاً میانگین زمان بازیابی در دانشکده های حوزه علوم یعنی علوم ریاضی و کشاورزی با استفاده از آزمون T ، مقایسه شدند (جدول ۴) . نتایج نشان می دهد تفاوت دیده شده با احتمال خطای ۰/۰۱ معنادار است .

مقدار P	مقدار T	انحراف استاندارد	میانگین زمان دسترسی به دقیقه	کل کتابهای بررسی شده	نام دانشکده
		۰/۷۸	۱/۱۷	۸۰	علوم ریاضی
۰/۰۰۸	-۲/۶۹	۱/۰۸	۱/۵۷	۸۰	کشاورزی

جدول ۴: جدول آزمون T برای فرضیه سوم (مقایسه میانگین زمان بازیابی در دانشکده های حوزه علوم)

برای مقایسه میانگین زمان بازیابی در دانشکده های حوزه علوم انسانی / اجتماعی از روش تحلیل واریانس F استفاده شد ، زیرا تعداد از ۲ بیشتر بود (جدول ۵) .

منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	نسبت F
بین گروهها	۱۰۴۳/۶۱	۴	۲۶۰/۹۰	۳۸/۲۴
درون گروهها	۲۶۹۴/۶۶	۳۹۵	۶/۸۲	

((با احتمال خطای ۰/۰۰۱ معنادار است))

جدول ۵: تحلیل واریانس یک طرفه و نسبت F برای کل کتاب های بررسی شده در پنج دانشکده حوزه علوم انسانی / اجتماعی

نتایج نشان می دهد که تفاوت دیده شده با احتمال خطای ۰/۰۰۱ معنادار است . برای اطمینان از این که معنادار بودن تفاوت حاصل تصادف نبوده است و نیز به دلیل برابری فراوانی ها از آزمون توکی^۹ استفاده شد و نتایج در جدول ۶ خلاصه گردید .

۹. Tukey

نام دانشکده	تعداد کتابهای بررسی شده	میانگین	واریانس	معناداری با تربیت بدنی	معناداری با علوم اداری	معناداری با الهیات	معناداری با علوم تربیتی
تربیت بدنی	۸۰	۱/۳۷	۰/۸۴				
علوم اداری	۸۰	۱/۶۹	۰/۷۳				
الهیات	۸۰	۱/۷۹	۱/۱۶				
علوم تربیتی	۸۰	۲/۹۶	۳/۸۴	×	×	×	
ادبیات	۸۰	۵/۷۶	۳۳/۱۷	×	×	×	×

((تفاوت دیده شده در سطح ۹۵ درصد معنادار است))

جدول ۶: آزمون توکی برای فرضیه سوم (تحلیل واریانس زمان بازیابی در دانشکده حوزه علوم انسانی / اجتماعی)

نتایج نشان می دهد که تفاوت دیده شده در زمان بازیابی در دانشکده ادبیات با سایر دانشکده ها یعنی تربیت بدنی ، علوم اداری ، الهیات و علوم تربیتی معنادار است . همچنین زمان بازیابی در دانشکده علوم تربیتی ، تفاوت معناداری را در سطح ۹۵ درصد با دانشکده های تربیت بدنی ، علوم اداری و الهیات نشان می دهد .

فرضیه چهارم : " دسترس ناپذیری کتاب ها ، بیشتر تابع فقدان نظم مواد است تا تابع عملکرد میز امانت " در این پژوهش ، هفت علت برای دسترس ناپذیری پیدا شد که عبارت است از : در امانت بودن ، اشتباه کتابدار ، اشتباه دانشجو ، اشتباه پژوهشگر ، اشتباه چیده شدن یا اشتباه فایل شدن کتاب ، گم شدن و علل نامشخص . برای بررسی این فرضیه ، کتابهای غیرموجودی که عامل دسترس ناپذیری آنها ، اشتباه دانشجو و امانت بود کنار گذاشته شدند و به این علت که اشتباه دانشجو و امانت در روش قفسه بسته ، ارتباطی به نظم مجموعه و عملکرد میز امانت ندارد ، بقیه موارد به دو گروه تقسیم شد :

۱_ کتاب هایی که در کتابخانه در جای اصلی خود بود و پیدا نشد (شامل اشتباه کتابدار و پژوهشگر) .

۲_ کتاب هایی که در کتابخانه در جای اصلی خود نبود و پیدا نشد (شامل اشتباه چیده شدن ، گم شدن و علل نامشخص) .

حوزه یا دانشکده	کتابهایی که در جای اصلی بودند و پیدا نشدند	کتابهایی که در جای اصلی نبودند و پیدا نشدند	درجه آزادی	مجذور کای	احتمال معناداری
کل دانشگاه	۲۱	۱۶	۱	۰/۶۸	۰/۴۱۶
حوزه علوم انسانی/ اجتماعی	۱۸	۱۵	۱	۰/۲۷	۰/۶۰۷
حوزه علوم	۳	۱	۱	۱	۰/۳۱۹
دانشکده ادبیات	۲	۴	۱	۰/۶۷	۰/۴۱۹
دانشکده الهیات	۶	۶	۱	۰	۱
دانشکده تربیت بدنی	۳	۰	۱	۳	۰/۰۷۹
دانشکده علوم اداری	۰	۳	۱	۳	۰/۰۷۹
دانشکده علوم تربیتی	۷	۲	۱	۲/۷۸	۰/۰۹۱
دانشکده علوم ریاضی	۱	۱	۱	۰	۱
دانشکده کشاورزی	۲	۰	۱	۲	۰/۱۵۳

جدول ۷: جدول مربوط به عوامل دسترس ناپذیری در ارتباط با فقدان نظم و عملکرد میز امانت (برای فرضیه چهارم)

برای بررسی تفاوت فراوانی ها از الگوی آماری مجذور کای استفاده شد (جدول ۷). نتایج نشان می دهد که در سطح دانشگاه، تفاوت معناداری بین فراوانی دو گروه فوق وجود ندارد. در دو حوزه علوم انسانی / اجتماعی و علوم نیز تفاوت معناداری دیده نمی شود. حتی در مورد تک تک دانشکده ها نیز تفاوت دیده شده معنادار نیست. بنابراین فرضیه چهارم رد می شود.

فرضیه پنجم: "در مقایسه با فقدان نظم و عملکرد میز امانت، دسترس ناپذیری کمتر به دلیل در امانت بودن کتابهاست."

برای بررسی این فرضیه، عوامل دسترس ناپذیری کلا به دو گروه تقسیم می شود:

- ۱ / کتاب هایی که پیدا نشد و در امانت بود (شامل امانت).
- ۲ / کتاب هایی که پیدا نشد و در امانت نبود (شامل اشتباه کتابدار، اشتباه دانشجو، اشتباه پژوهشگر، اشتباه چیده شدن، گم شدن و عوامل نامشخص).

حوزه یا دانشکده	کتاب هایی که پیدا نشدند و در امانت بودند	کتاب هایی که پیدا نشدند و در امانت نبودند	درجه آزادی	مجذور کای	احتمال معنادار بودن
کل دانشگاه	۶۲	۴۷	۱	۲/۰۶	۰/۱۴۷
حوزه علوم انسانی/ اجتماعی	۴۶	۳۹	۱	۰/۵۸	۰/۴۵۴
حوزه علوم	۱۶	۸	۱	۲/۰۶	۰/۰۹۸
دانشکده ادبیات	۱۳	۶	۱	۲/۵۸	۰/۱۰۴
دانشکده الهیات	۶	۱۴	۱	۳/۲	۰/۰۷
دانشکده تربیت بدنی	۸	۳	۱	۲/۲۷	۰/۱۲۷
دانشکده علوم اداری	۸	۵	۱	۰/۶۹	۰/۴۱۰
دانشکده علوم تربیتی	۱۱	۱۱	۱	۰	۱
دانشکده علوم ریاضی	۱۱	۳	۱	۴/۵۷	۰/۰۳۰
دانشکده کشاورزی	۵	۵	۱	۰	۱

جدول ۸: جدول مربوط به عوامل دسترس ناپذیری در ارتباط با میز امانت و سایر عوامل (برای فرضیه پنجم)

برای بررسی تفاوت فراوانی ها از الگوی آماري مجذور کای استفاده شد و نتایج در جدول ۸ خلاصه گردید ملاحظه می شود که در سطح دانشگاه، تفاوت معناداری بین فراوانی دو گروه فوق وجود ندارد. بنابراین فرضیه پنجم تأیید نمی شود. در دو حوزه علوم انسانی / اجتماعی و علوم و نیز تک تک دانشکده ها به جز علوم ریاضی، تفاوت دیده شد. در فراوانی ها معنادار نیست. در کتابخانه علوم ریاضی، تفاوت دیده شده در سطح ۹۵ درصد معنادار است. بدین ترتیب می توان گفت که فرضیه پنجم فقط در این کتابخانه تأیید می شود.

بحث و نتیجه گیری

یافته های پژوهش نشان داد که درصد فراوانی کتاب های موجود به هنگام نیاز یا به عبارتی دسترس پذیری فیزیکی در دانشگاه فردوسی مشهد ۸۰/۵ درصد (برای هفت کتابخانه ای که به روش قفسه بسته اداره می شوند) است. این درصد در مقایسه با سایر

پژوهش های انجام شده در خارج از ایران که نرخ " موجود بودن " را در محدود ۵۰ تا ۷۰ درصد به دست آورده اند ، نسبتاً مطلوب است . با استفاده از فرمول رضامندی " کانتور " نیز استنباط شد که درصد رضامندی در دانشگاه فردوسی (۸۱ درصد) از وضعیت قابل قبولی برخوردار است ، بنابراین فرضیه اول پژوهش رد شد .

شاید بتوان توجیه کرد که چون کتابخانه های مورد پژوهش به روش قفسه بسته اداره می شوند ، احتمالاً کتاب های کمتری به امانت می رود زیرا دانشجویان نمی توانند مستقیماً کتاب را از نزدیک ببینند و ورق بزنند و سپس انتخاب کنند . از طرفی موضوعاتی که مطابق اصول فهرست نویسی به کتاب ها داده می شود ، شاید آن قدر کلی است که دانشجویان نمی توانند با مراجعه به برگه دان به طور کامل از محتویات کتاب مطلع شوند و به همین دلیل کمتر کتاب به امانت می گیرند .

توجیه دیگر مربوط به این فرضیه آن است که اصولاً دانشجویان دوره های کارشناسی کمتر به کتابخانه نیاز دارند و کمتر کتاب به امانت می گیرند . در تحقیقی که توسط " دیانی " در سال ۱۳۷۷ در دانشگاه فردوسی مشهد انجام شد ، مشخص گردید که دانشجویان این دانشگاه ، کتاب درسی و جزوه را مناسب ترین منابع اطلاعاتی برای یادگیری می دانند و کتابخانه از میان منابع اطلاعاتی ، چهارمین جایگاه را به خود اختصاص داده است (دیانی ، ۱۳۷۷ و ۱۳۷۸) توجیه سوم این است که در نظام قفسه بسته ، کتاب ها در قفسه ها از نظم بهتری برخوردارند و در نتیجه دسترس پذیرند . در مورد فرضیه دوم ، یافته های پژوهش تفاوت معناداری بین فراوانی کتاب های موجود در حوزه های علوم انسانی / اجتماعی و علوم نشان نداد ؛ بنابراین ، فرضیه دوم رد شد . شاید بتوان دلایلی را که در رد فرضیه اول آورده شد ، در این جا نیز مورد استفاده قرار داد . وقتی دسترس پذیری فیزیکی کتابها و رضامندی از کتابخانه در کلیه دانشکده ها (که در دو حوزه علوم انسانی / اجتماعی و علوم نیز تفاوت داشت که در فراوانی وجود کتاب ها در دو حوزه علوم انسانی / اجتماعی و علوم نیز تفاوت معناداری نداشته باشند . این گونه تصور می شد که کتاب های علوم کمتر از کتابهای علوم انسانی / اجتماعی مورد نیاز دانشجویان است زیرا در رشته های علوم ، مقالات بیشتر از

کتابها مورد مراجعه قرار می گیرد و لذا کتاب های آنها به دلیل مراجعه کمتر، دسترس پذیرتر است. احتمالاً به دلیل اینکه در سطوح کارشناسی در هر دو حوزه، کتاب درسی و جزوه، متن های اصلی درسها را تشکیل می دهد، کتابهای غیردرسی به لحاظ دسترس پذیری تفاوتی با یکدیگر ندارد. در مورد فرضیه سوم، یافته های پژوهش نشان دادند که تفاوت معناداری در زمان بازیابی در حوزه علوم انسانی / اجتماعی و علوم در کل دانشگاه وجود دارد. بنابراین فرضیه سوم تایید شد، همچنین مشخص شد که در دانشکده علوم ریاضی، زمان بازیابی بطور معناداری از کتابخانه کشاورزی کمتر است و نیز دانشکده ادبیات تفاوت معناداری با دانشکده های تربیت بدنی، علوم اداری، الهیات و علوم تربیتی دارد و دانشکده علوم تربیتی نیز با سه دانشکده تربیت بدنی، علوم اداری و الهیات تفاوت معناداری را به لحاظ میانگین زمان بازیابی نشان می دهد.

شاید بتوان توجیه کرد که علت این تفاوت، گستردگی و حجم زیاد مجموعه در دانشکده ادبیات (حدود ۱۰۰ هزار عنوان کتاب فارسی و عربی در ۲۲۸ قفسه در حدود ۱۰۰۰ مترمربع در دو طبقه)، تعداد زیادتر دانشجو نسبت به دانشکده های دیگر، تعداد کم کارمند بخش امانت و کوتاه بودن طول مدت زمان امانت برای هر کتاب (۷ روز حداکثر ۳ کتاب) باشد. در واقع دانشکده ادبیات دارای بیشترین حجم مجموعه، بیشترین طول برگه دان (۶۶۱ cm) و بیشترین تعداد دانشجو (۴۵۰۰ نفر) در میان کل دانشکده های جامعه تحقیق می باشد. علاوه بر این قرار گرفتن کتابخانه در دو طبقه مشکلات زیادی برای کتابداران ایجاد کرده است و آنها به ویژه از بالا و پایین رفتن پلکان بین دو طبقه، بسیار شاکی اند. رفت و آمد از پله ها نیز احتمالاً زمان بازیابی را طولانی تر کرده است. از سوی دیگر دانشکده علوم ریاضی که سریعترین زمان بازیابی را دارد، دارای کوچکترین حجم مجموعه (۳۵۰۰ کتاب فارسی) نسبت به سایر دانشکده هاست.

فرضیه چهارم؛ یافته های پژوهش مؤید این فرضیه نیست، علاوه بر این مشخص شد که اشتباه چیدن در کل دانشگاه (۸/۱۸ درصد) و نیز اشتباهات کتابداران (۱۴/۵۴ درصد) کمتر از حد انتظار هستند. در مورد وجود نظم بالا در شیوه چیدن کتاب ها، شاید بتوان توجیه کرد که علت بسته بودن قفسه هاست زیرا در روش قفسه بسته، چیدن کتاب ها در

قفسه برعهده کتابداران می باشد که احتمالاً به اصول و قواعد برگه آرایی آشنایی کافی دارند. در این روش دانشجویان وارد مخزن نمی شوند و بنابراین احتمال اینکه نظم کتابها به علت عدم آشنایی دانشجویان با قوانین قفسه آرایی به هم بخورد، وجود ندارد. علل شکل گیری این فرضیه، نارضایتی های مطرح شده درباره عملکرد کتابداران از سوی دانشجویان بوده است اما یافته ها نشان داد که میزان اشتباهات کتابداران برخلاف نظر دانشجویان زیاد نیست.

فرضیه پنجم؛ یافته های پژوهش به جز در دانشکده علوم ریاضی، در بقیه موارد این فرضیه را رد کرد و مشخص شد که بین کتاب هایی که به علت فقدان نظم مواد و عملکرد میز امانت پیدا نشد و کتابهایی که به علت امانت پیدا نشد، تفاوت معناداری وجود ندارد.

نتیجه گیری کلی از این پژوهش آن است که اگر چه کتابخانه ها به روش قفسه بسته اداره می شوند اما فراوانی کتاب های " موجود " و " رضامندی " از کتابخانه در سطح مطلوبی قرار دارد. عملکرد میز امانت و کتابداران در حد قابل قبولی است. تنها مسئله زمان بازیابی است که نسبتاً طولانی است که احتمالاً نارضایتی دانشجویان را در پی دارد.

پیشنهادها

- ۱ _ تحقیقات مشابه در سایر کتابخانه های دارای نظام قفسه بسته دانشگاهی ایران انجام گیرد و درصد فراوانی ها " و " رضامندی " با هم مقایسه شود .
- ۲ _ همین نوع مطالعه در نظام قفسه باز و برای مواردی که به کتابدار مراجعه می شود انجام گیرد و نتایج با هم مقایسه شود .
- ۳ _ مزایا و معایب نظام باز بسته کتابخانه ، با هم مقایسه شود و براساس نتایج درباره استقبال از نظام باز یا بسته ، تصمیم گرفته شود .
- ۴ _ اگر بناست نظام قفسه بسته ادامه یابد به تعداد کارکنان بخش امانت افزوده شود .
- ۵ _ در مورد نحوه استفاده از برگه دان و انواع آن (مؤلف ، موضوع و عنوان) به دانشجویان آموزش کافی داده شود تا از میزان اشتباهات آنها به هنگام درخواست کتاب کاسته شود .
- ۶ _ با توجه به اهمیتی که قواعد قفسه آرایی فارسی در تنظیم کتاب ها بر روی قفسه ، در برگه دان و حتی در رایانه دارند ، حتی الامکان این قواعد به کلیه دانشجویان آموزش داده شود .

منابع :

دیانی ، محمد حسین . " جایگاه منابع اطلاعاتی در فرآیند یادگیری دانشجویان دانشگاه فردوسی " . کتابداری و اطلاع رسانی : فصلنامه کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد آستان قدس رضوی ، دوره یک ، ش ۳ (بهار ۱۳۷۷) : ص ۷۸_۵۶ .

دیانی ، محمد حسین . " دانشجویان و دانشگاه فردوسی ، اهداف ، دست آوردها و کیفیت منابع اطلاعاتی " . مجله علوم تربیتی و روانشناسی ، دوره یک ، شماره یک (بهار ۱۳۷۸) : ص ۵۴_۲۷ .

Chaudhry, Abdus Sattar and Saleh Ashoor. " Comprehensive Materials Availability Studies in Academic Libraries " . Journal of Academic Librarianship. Vol, 20, No. 5-6 (Nov 1994) : PP. 300-305 .

De Prosopo, Ernest R.; Ellen Altman; and Kenneth E. Beasley. Performance Measures for Public Libraries. Chicago : American Library Association, 1973.

Kantor, Paul B. " Availability Analysis " . Journal of the American Society for information Science, Vol. 27, No. 5-6 (Sep - Oct 1976) : PP. 311-319 .

Mansbridge, John. " Evaluating Resource Sharing Library Networks. " Doctoral Dissertation. Cleveland, Ohio, Case Western Reserve University, 1984.

Rehman, S. U. ; Arif, K. and A. S. Chaudhry. " Availability Analysis : Conduct, Comparison and Application". Australian Academic and Research Libraries, Vol. 25, No. 1 (Mar 1994) : PP. 19-26.